تهافتی در کتاب التمهید

میخواستم این را هم بگویم اما نشد. فقط اشاره میکنم خودتان ببینید. برای من طلبه؛ عرض حال است و خدا میداند حال بی ادبی نیست. در جلد دوم التمهید راجع به اعتبار مصحف چه میفرمایند. در فدکیه گذاشتهام؛ التمهید، بررسی اعتبار رسم المصحف. این عرض حال من است. شما نگاه کنید؛ فاصله دو صفحه به قدری کم است که من چندین بار خواندم؛ کتاب، کتاب درسی و کلاسیک است. شاگردان ایشان باید سؤال میکردند. بین دو مطلبی که به ذهن من متهافت میآید به قدری صفحات کم –بیست صفحه- است که من تردید میکنم و میگویم شاید منظور ایشان چیزی است که من نمیدانم. برای شما که میگویم شما نگاه کنید. اول که میخواهند حرف ابن جزری را در کنند، چه کار بر سر مصحف در میآورند اما بیست صفحه بعد که میخواستند حرف مختار خودشان را بگویند چطور بیان میکنند. اصلاً من متحیر میشوم. حالا شما نگاه کنید و ببینید اگر ایشان مقصودی دارند که من نفهمیدم حتماً برای من بفرمایید. یا از شاگردان ایشان سؤال کنید. به ذهن من اینها متهافت میآید. در جلد دوم، صفحه ۱۳۱ و صفحه ۱۵۳است. من عبارات را رنگی کردهام. در فدکیه ببینید.

شاگرد: با توضیحی که در مورد «واقعاً» دادید، دیگر جواب صاحب مفتاح الکرامه جواب اشکال نمیشود. چون در «واقعاً» اختلاف میکردند اما نمی خواستند بگویند تو داری واقع را تغییر میدهی. ولی اختلاف نحویون که سر واقع نیست. همانطور که شما فرمودید این نحوی میگوید طبق این قرائن به این صورت بخوانیم و نحوی دیگر میگوید به آن صورت بخوانیم. در اینجا که اصلاً واقعی نیست.

استاد: واقع این است که در زبان عرب این غلط است. کوفی میگوید این درست است و بصری میگوید در زبان عرب این جمله غلط است.

شاگرد: یعنی زبان عرب را فرض میکنند که یک چیز است، مثل قرآن که یک چیز است.

استاد: اشکال ایشان این بود، میگویند کوفیین میگویند این در زبان عربی غلط است و بصریین میگویند که غلط نیست. خب واقعاً یکی دارد صحت را تثبیت میکند و دیگری غلط را تثبیت میکند.

شاگرد: دراینصورت نقض میشود. یعنی فخر رازی همان اشکال را هم در اینجا میآورد می گوید آنجا باشد و این جا هم باشد.

استاد: لذا هم ایشان هم بهعنوان در آن نگفتند. گفتند «قد یستأنس». صاحب مفتاح الکرامه عبارت را خیلی لطیف و عالمانه آوردهاند ولی لسانش این است که در اینجا کسی اشکال نمیکند. پس این ایرادی است به او. یعنی لحن، لحن تنقیص حرف فخر رازی است اما نه به لسان رد. بعد دنبالهٔ آن میگویند «فتامل». یعنی باز هم بر میگردند.در فدکیه عنوانی به نام «معنی اختیار القرائه» هست. یا کتاب آقای هادی فضلی را دیدهاید؟ القرائات القرآنیه تعریف و تاریخ. در آن جا هم اختیار القرائه را توضیح میدهند.

شاگرد:در نحو بیشتر در مسائل اجتهادی و تحلیل ها و ترکیب ها بیشتر اختلاف دارند.

استاد: یک تفاوتی که قراء در قرآن داشتند این بود که اگر برای یک قاری تواتر به نحو شهرت نبود، شواذ را اعتناء نمی کردند. یعنی نحوی ها هنوز اسهل میگیرند تا خود قراء.

بازبینی #2
ایجاد شده 25 آوریل 2024 10:27:36 توسط ... .
به روزرسانی شده 1 ژوئن 2024 14:06:55 توسط ... .